فصلنامه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی
سال نهم، شماره ۱ (پیاپی: ۳۳)، بهار ۱۴۰۴

معرفی و تحلیل کتاب انسان‌شناسی یاری‌گری
نوشته دکتر مرتضی فرهادی

ندا سیدین [۱]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۳۰
کد مقاله: ۸۵۵۵۸

چکـیده

« انسان شناسی یاری‌گری» کتابی است که به ریشه های یاری‌گری و مشارکت در اندیشه و زندگی ایرانیان می پردازد که در ده فصل و ۵۶۳ صفحه توسط دکتر مرتضی فرهادی نگارش شده و به چاپ سوم هم رسیده است. کتاب انسان شناسی یاری‌گری شامل پیشگفتار کتاب و مقدمه و در آخر سپاسگزاری مؤلف از اساتید و دانشجویانی است که در خلق این اثر از آنها یاری گرفته است و این یکی از ویژگی‌های ممتاز دکتر فرهادی است که هم در ذهن وهم در عمل یاری گری را سرلوحه خود قرار داده است. همچنین۸۰ صفحه منابع و مأخذ و نمایه آورده که این خود نمونه یک تحقیق به معنای دقیق کلمه است. بیشتر فعالیت های حوزه انسان شناسی معطوف به بازآزمایی مفاهیم موجود در منابع غربی بوده و فاقد منابع نظری بومی و مرتبط با جامعه ایرانی است در صورتی که مؤلف محترم در این کتاب ده نوع همکاری و مشارکت اصلی را در ایران مشخص کرده که این طبقه‌بندی بر مطالعات میدانی در سراسر ایران استوار واز قابلیت تعمیم پذیری برخوردار است. دکتر فرهادی در این کتاب پارادایم متفاوتی را عرضه می‌دارد که به کمک آن می‌توان به طرح مجدد مسائل اساسی از جمله تحلیل مسایل جوامع سنتی پرداخت.

واژگـان کلـیدی: انسان شناسی، یاری‌گری، جوامع سنتی، مشارکت

۱- دکتری جامعه شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال
neda.seyedin@yahoo.com

۱- مقدمه

یاری‌گری اصطلاحی بین رشته‌ای در علوم اجتماعی و زیستی است که به دلیل ماهیت و خاستگاه این علوم و وجود فرضیه‌های زمینه‌ای و جهان بینی رقابتی حاکم بر جوامع غربی، نسبت به اهمیت فوق العاده‌اش در زندگی اجتماعی و حتی زیستی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. نویسنده در کتاب حاضر بر آن بوده است تا همکاری را در هر لباس و با هر رنگی معرفی نماید تا جایی که گاهی این ساخت‌های رفتاری و همکاری تا عالم جانوران نیز کشیده می‌شود. طبیعت انسان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه اثر حاضر سبب بروز گرایش به مفاهیم کلی است تا رفتارهای آدمی را در تفاوت های جزیی و ثانوی در مشترکات درونی تر وساختاری آن شناسایی کند. دکتر فرهادی در این کتاب که در واقع تئوری سازی بر اساس داده های واقعی از یک تحقیق میدانی است، بر خلاف دیدگاه غربی اصل را بر همکاری و تعاون می‌گذارد. شاید این اثر را بتوان یکی از جدی‌ترین آثار در نقد جامعه شناسی غرب دانست که ضربه مهلکی را بر محوری‌ترین مفهوم جامعه شناسی غربی وارد ساخته است.

بحث دربارۀ مشارکت نه فقط در ادبیات توسعه اهمیت زیادی دارد بلکه اساسا می‌توان آنرا فرایندی تلقی کرد که ریشه در زندگی اجتماعی انسان دارد و ابعاد آن در طی زمان و برحسب الزامات دوره‌های مختلف تاریخ دگرگون و متکامل شده است. ایدۀ مشارکت در معنای بسیط خود از مباحث مربوط به دموکراسی نشأت می‌گیرد که سابقه آنرا برخی به نظام سیاسی یونان باستان می‌رسانند. به اعتبار منابع موجود از آن دوره سابقۀ این بحث را دست کم می‌توان در دوران قبل از میلاد مسیح و در آثار افلاطون و ارسطو پیگیری کرد. در دوران جدید هم خصوصا از عصر روشنگری به بعد طرح مباحث نو در این زمینه اهمیت روزافزونی یافته است تا جایی که جامعۀ مدنی به واسطۀ بسط و گسترش مشارکت‌های اجتماعی و نهادهای مدنی تعریف می‌شود(زتومپکا،۱۳۸۴:۱۳).

مشارکت اجتماعی، متضمن انواع کنش‌های فردی و جمعی در جهت دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه، و تأثیرگذاری بر فرایندهای گوناگون در حوزۀ امور عمومی است و بی‌تفاوتی همگانی نسبت به این امر، نشانگر انسان و جامعه‌ای است که یا با مسأله‌ای اجتماعی مواجه است یا تکامل و توسعه لازم را نیافته است. انسان به مقتضای اجتماعی بودن خود و پیوندجویی در گروه‌های اجتماعی، بدون حضور فعال در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره، جایگاه و مسئولیت و کارکرد خود را نمی‌یابد(همان).

موضوع مشارکت و چگونگی تحقق آن گرچه ریشه در تاریخ دیرینه ملتها دارد و جوانب مختلف مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور ما در طول تاریخ براساس مشارکت های مردم استوار بوده است، لیکن این مفهوم امروز اهمیتی دوچندان پیدا کرده و همواره به عنوان یک ضرورت تاریخی، در عرصه های گوناگون مورد بحث بسیاری از اندیشمندان و دست اندرکاران بویژه در زمینه های مسائل اقتصادی- اجتماعی و سیاسی قرار گرفته است به گونه ای که به نظر برخی از اندیشه گران، محور اساسی توسعه بر مشارکت کلیه نیروها استوار است.با عنایت به این واقعیت که رشد ملی نه فقط به مدد منابع مادی، بلکه بیشتر به یاری و مشارکت انسان ها صورت می پذیرد و تصمیم های گروهی ، توجه به نیازهای محلی و گروهی، رودرویی مستقیم با مسایل و حل فوری آن نیز به مدد اندیشه و تفکر جمعی مشارکت هیچ گاه در طول تاریخ همانند امروز و آینده دارای اهمیت نبوده است. نخبگان هر قدر هم روشن اندیش باشند، باز به تنهایی قادر به ایجاد تمدنی جدید نیستند. هرچه هست و باید باشد به مدد مساعی جمعی ممکن است. ایجاد تمدن جدید مستلزم نیروی تفکر همه انسانهاست و به قول تافلر ابداع و تخیل جمعی، محور کارها در آینده است(متین،۱۳۷۸: ۴۴).

۲-مبانی نظری مشارکت و یاری‌گری

۲-۱-منشأ فطری مشارکت

بسیاری از اندیشه‌گران، مشارکت در امور و همدردی و یاری‌گری را ازجمله فطرت‌های آدمی دانسته‌اند."اسپینوزا" معتقد است که «هر گاه انسان، انسان دیگری را در حین کاری یا ابراز عاطفه ای مشاهده کند، بی اختیار خواهان تقلید از آن کار یا ابراز آن عاطفه می شود»(فرهادی، ۱۳۷۳: ۵۷).

هیوم همدردی را بنیاد زندگی اجتماعی دانسته است(همان).

اگوست کنت و آدام اسمیت دو عامل نیرومند حس خودخواهی و حس نوع دوستی را در فطرت بشر بازشناخته، دومی را عامل پیدایش خانواده که محل تمرین همکاری است، می دانند. خانواده نتیجه حس نوع دوستی فرد به تشکیل خانواده است و خانواده یک اجتماع کوچک بشری است و همکاری و همیاری در این اجتماع کوچک انسانی صورت می گیرد(متین، ۱۳۷۸: ۴۷).

۲-۲-فلاسفه اسلامی و یاری‌گری

بسیاری از فلاسفه اسلامی مشارکت در زندگی اجتماعی و خانوادگی را جزو ذات انسان دانسته اند. امام محمد غزالی(۴۵۰-۵۵۵) منشأ تعاون را ضرورت های زندگی آدمی دانسته و خانواده را نهاد آغازین معرفی کرده است(همان: ۴۸).

ذکریای قزوینی (۶۰۲- ۶۸۲هـق) نیز گفته است: اشتمال مدینه بر صناع چون اجتماع بدن است بر اعضا، همچنان که اعضا و قوا هر یک از آن، گروه دگر را مساعدت می کند تا امر بدن تمام شود و همچنین صناع هر یک دیگری را معاونت کند(همان).

۲-۳-افلاطون و همکاری و یاری‌گری

افلاطون در کتاب جمهوری با این استدلال که سبب ستیزه‌ها ونفاق های اجتماعی، فرمانروایان و پاسداران کشور هستند، نه مردم، پیشنهاد می‌کند که اگر نظام اشتراکی در میان خانواده فرمانروایان و پاسداران حکمفرما باشد، در این صورت مال دوستی و مالکیت خصوصی نمی‌تواند آنان را به خود مشغول دارد، در نتیجه احساس اشتراک نفع که اساس یگانگی افراد خانواده واحد است به همه اعضای جامعه سرایت می‌کند(عنایت، ۱۳۴۹؛ به نقل از متین، ۱۳۷۸: ۴۷).

فرنچ جامعه شناس فرانسوی، معتقد است که مشارکت جریانی است که طی آن دو گروه یا بیشتر، در ایجاد طرح‌ها، خط مشی‌ها و تصمیم‌های معینی بر یکدیگر تاثیر متقابل دارند و این اثر فقط بر تصمیم‌هایی محدود می‌شود که روی تصمیم گیرندگان و آنچه آنان ارائه می دهند، تاثیرهای آتی خواهد داشت. در این صورت میزان مشارکت یک شخص معادل تاثیر است که وی در تصمیم‌ها و طرح‌های پذیرفته شده داشته است به سخن دیگر معادل تاثیری است که دیگران در جریان اخذ تصمیم پذیرا شده اند(همان:۱۱۵).

۲-۴-مشارکت اجتماعی

مشارکت را نوعی کنش هدفمند در فرایند تعاملی بین کنشگر و محیط اجتماعی او در جهت نیل به هدف‌های معین و از پیش تعیین شده تعریف کرده‌اند». از حیث مفهومی واژه مشارکت به معنای شراکت و همکاری در کاری، امری یا فعالیتی و حضور در جمع،گروه و سازمان جهت بحث و تصمیم‌گیری چه به صورت فعال و چه به صورت غیر فعال است. در مجموع، جوهرهٔ اصلی مشارکت را باید در فرایند درگیری، فعالیت وتأثیرپذیری دانست» (علوی تبار ،۱۵:۱۳۷۹).

از منظر جامعه‌شناسی باید بین مشارکت به عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) و به عنوان حالت و وضع (امر شرکت کردن) تمیز قائل شد. مشارکت در معنای اول شرکت فعالانه در گروه را می‌رساند و به فعالیت اجتماعی انجام شده نظر دارد و در معنای دوم از تعلق گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن خبر می‌دهد (بیرو،۲۷۵:۱۳۷۰).

رحمان در تعریف مشارکت می‌نویسد «مشارکت مردمی به معنای کوشش و تلاش جمعی در یک زمینهٔ سازمانی است که اعضا با ائتلاف منابع درصدد دستیابی به هدفهایشان هستند. در نتیجه مشارکت یک فرایند فعال است که هریک از مشارکت کنندگان به واسطهٔ اندیشه، تأمل و نظارت فعالشان به اقدام و عمل مشارکتی ترغیب می‌شوند. او در بیان مفاهیم کلیدی این تعریف به مواردی اشاره می‌کند که از آن جمله است : ۱)مشارکت فعالیت سازمان‌یافته از طرف مردم متحد و متجانس که واحد اولیهٔ آن را متقاعد شدن افراد به کنش جمعی تشکیل می‌دهد؛ ۲) مبادرت به کنش و عمل جمعی داشتن؛ ۳) تفکر و تأمل مستقیم نسبت به کارها و فعالیت‌ها داشتن؛ و ۴) نظارت بر فرایند مشارکت نمودن» (رحمان به نقل از غفاری،۷۰:۱۳۸۰)

اوکلی و مارسدن از مشارکت سه تفسیر ارائه داده‌اند:

۱) شرکت داوطلبانه مردم در برنامه‌های عمومی؛

۲) برانگیختن احساسات مردم و افزایش درک و توان آنان؛

۳) دخالت در فرایند های تصمیم‌گیری، اجرا و سهیم شدن عامه مردم در منافع طرح‌ها و ارزشیابی آنها.

تفسیرهای مطرح شده توسط اوکلی و مارسدن را از لحاظ اهمیت دادن به مردم و احقاق حقوق آنان، می‌توان در سه سطح مشارکت پائین (تفسیر اول)؛ مشارکت متوسط(تفسیر دوم)؛ و مشارکت بالا(تفسیر سوم) دسته بندی کرد(قاسمی،۲۵:۱۳۸۱)

جیمز فریزر مشارکت را با توسل به انگیزه‌های اقتصادی و مادی، عامل کنش تعریف می‌کند؛ هر چند که معتقد است فرهنگ نیز می‌تواند در آن سهمی داشته باشد. بر اساس این دیدگاه ، اگر رضایت متقابل حاصل نشود، هیچ نوع مشارکتی ایجاد نخواهد شد و هر فرد برای دستیابی به سود باید بهایی بپردازد. بها را معمولا علاوه بر پاداش‌های بالقوه، کوششی می‌دانند که برای جلب رضایت به کار می‌رود. این نظریه بر مشارکت مبتنی بر اراده نیز تأکید دارد و معتقد است که رفتارهای روزمره به صورت پاسخی به خواهش‌ها و محاسبات فرد دیده می‌شود و هر قدر فرهنگ حالت مسلط داشته باشد، باز هم فرد از نیروی انتخاب برخوردار است(علفیان، ۱۳۷۹ :۹۱-۹۰).

رابرت پاتنام نیز معتقد است که آنچه باعث میزان بالای مشارکت می‌شود اعتمادی است که در قالب همکاری های اجتماعی و تعاونی ایجاد می‌شود(جاج،۲۰۰۳:۱).

به باور پاتنام شبکه‌های مشارکت مدنی هنجارهای محکمی از بده و بستان‌های عمومیت‌یافته را رواج داده، و پیدایش اعتماد اجتماعی را ترغیب کرده و موجب تسهیل همکاری و هماهنگی و ارتباطات و افزایش اعتبار گردیده و از این طریق معضل کنش جمعی را ممکن می‌سازند(پاتنام،۱۳۸۰: ۳۰۰).

دانیل لرنر عواملی چون سواد، میزان شهرنشینی، دسترسی به رسانه‌های جمعی و همگانی و نهایتا" ارتباطات اجتماعی را با مشارکت اجتماعی مرتبط می‌داند و معتقد است که این متغیرها در جامعه مدرن بیشتر نمود دارند. او از جامعه جدید به عنوان جامعه مشارکتی نام می‌برد(لرنر،۱۹۶۴:۵۷).

هانتینگتون و نلسون نیز مشارکت را در قالب فرایند اثرگذاری شهروندان بر تصمیم‌گیری‌های دولت مورد توجه قرار داده اند به نظر آنها دو پارامتر تحرک اجتماعی و عضویت در انجمن‌ها و گروههای اجتماعی زمینه را برای بسط مشارکت اجتماعی فراهم می‌کنند(هانتینگتون، ۱۳۷۶: ۱۱۰).

اینگلهارت افزایش مشارکت در جوامع پیشرفته را به سه عامل ارتقای سطح تحصیلات و اطلاعات سیاسی، تغییر هنجارهای حاکم بر مشارکت زنان و تغییر در اولویت‌های ارزشی نسبت می دهد. به عقیدهٔ او این عوامل تأکید کمتری بر نیازهای آنی داشته و بیشتر بر حق ابراز نظر تأکید می‌ورزند (اینگلهارت،۱۳۷۴:۳۷۸).

اینگلهارت علاوه بر عوامل یاد شده رابطه بین اعتماد و مشارکت را مورد توجه قرار می‌دهد . به نظر او اعتماد به یکدیگر از عوامل مؤثر در مشارکت است، زیرا به واسطهٔ اعتماد رفتارها قابل پیش‌بینی می شود که نتیجه آن تقویت حوزهٔ کنش و تصمیم‌گیری است. این رویکرد تا حدودی به رویکرد آلموند و وربا شباهت دارد که در بحث «فرهنگ مدنی» اعتماد را از لوازم فرهنگ دموکراتیک و تشکیل روابط ثانویه می‌دانند. اینگلهارت همچنین سرمایه اجتماعی را هم ارز اعتماد دانسته معتقد است که سرمایه اجتماعی فرهنگ اعتماد و مدارا است که به مدد آن شبکه‌های گستردهٔ سازمان‌های داوطلبانه رشد می‌یابند. به اعتقاد او شبکه‌ها نتیجهٔ اعتماد مردم به یکدیگرند، نه اینکه اعتماد محصول جانبی انجمنی شدن مردم باشد. مردمی که به یکدیگر اعتماد می‌ورزند، با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند تا در وضعیت‌های مختلف از گروه ورزشی گرفته تا محل کار انجمن تشکیل دهند و بدین وسیله بیش‌تر به یکدیگر اعتماد کنند(همان).

با توجه به مباحث مطرح شده می‌توان گفت که مشارکت اجتماعی فرایندی سازمان یافته است که افراد که بر مبنای اعتمادی که به یکدیگر پیدا می کنند از روی آگاهی و اطلاع و به صورت داوطلبانه و گروهی، با عنایت به علایق معین و مشخص که منجر به خودشکوفایی و نیل به اهداف و سهیم شدن در منابع قدرت می‌گردد به فعالیت مشترک می پردازند . عرصه چنین مشارکتی ، نهادهای مشارکتی چون گروه‌ها، اتحادیه‌ها، باشگاه‌ها و انجمن‌ها هستند که معمولا خصلتی محلی و غیردولتی دارند و در حوزه‌های گوناگون ایفای نقش می‌کنند. تعدد و گستردگی سازمان‌های محلی و غیردولتی در یک جامعه بیانگر وجود مشارکت اجتماعی در آن جامعه است. اهمیت این انجمن‌ها و تشکلها در این است که مجرایی برای آموزش مشارکت در تعیین سرنوشت مردم و شراکت در بحث و تصمیم‌گیری جمعی به شمار می‌آیند. از دیدگاه چلبی، انجمن‌های داوطلبانه نوعی بسترسازی مناسب برای مشارکت اجتماعی را فراهم می‌آورند. از یک طرف، تشکل های مشارکتی با جلب همکاری افراد، زمینهٔ اتصال هرچه بیشتر آنها به جامعه را فراهم آورده و مشارکت فرد در امور اجتماعی را افزایش می‌دهند، و از سوی دیگر، با بسط شبکه‌های اجتماعی و تقویت همبستگی اجتماعی به گسترش مشارکت فعالانه و داوطلبانه افراد جامعه کمک می‌کنند (چلبی ،۱۳۸۳:۲۹۰).

بنابراین می‌توان گفت که مشارکت واقعی و هدفمند برون‌داد سازمان‌های غیردولتی است و آنها متولیان این نوع مشارکت در سطح اجتماع هستند. از طرف دیگر، افرادی که روابط اجتماعی بیشتری دارند و اعتماد حاکم بر این روابط بر کیفیت آن افزوده است، تمایل بیشتری برای عضویت و مشارکت در سازمان‌های داوطلبانه دارند. به این معنی که این روابط و کیفیت آن به ایجاد انجمن‌ها و سازمان‌ها منجر می‌گردد. متغیرهای زمینه‌ای مانند سن ، تحصیلات و پایگاه اجتماعی و اقتصادی نیز در این میان مؤثرند.

۳-پیشینه پژوهش های انجام شده درخصوص مشارکت و یاری‌گری

– علیرضا محسنی تبریزی در بررسی زمینه های مشارکتی روستاییان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی که به وسیله مهندس محمد هادی امیرانی در دو مقاله تلخیص شده است در سراسر متن کلمات مشارکت و همکاری، مشارکت و همیاری مشارکت وخودیاری مترادف به کار برده شده است وی گونه های یاری گری را به چهار دسته خودیاری، دگریاری، همیاری و تعاونی های سنتی تقسیم و برای هر کدام تعریف ارائه کرده است.

– نعمت اله متین نیز در مقاله ای با عنوان« مبانی نظری مشارکت و ضرورت های آن» کلمات مترادف و یا نزدیک به مشارکت را به کار برده اند و مفهوم مشارکت را از دیدگاه ابن خلدون و غیره مورد بررسی قرار داده اند.

–مهدی طالب در مقاله ای با عنوان« ماهیت مشارکت و مشارکت در منابع طبیعی» مشارکت و همیاری را مترادف هم گرفته و انواع آنرا خودیاری، دیگریاری و همیاری دانسته اند.

–محمدحسین پاپلی یزدی در مقاله «مختاباد(اوج مشارکت در دامداری سنتی)»مشارکت را مترادف یاوری و همیاری دانسته اند. و معتقد است که دامداری سنتی بر مبنای مشارکت و یاوری جمعی استوار و مشارکت و یاوری در دامداری سنتی دارای طیف های متفاوتی است.

–محمد عفتی در مقاله «مکانیزم های جلب مشارکت مردمی در حفظ واحیای منابع طبیعی کشور» از دو نوع مشارکت، مشارکت به شیوه دگریاری و مشارکت به شیوه همیاری و سهیم شدن در نفع سخن می گوید.

–حامد مقدم در مقاله مشارکت و توسعه مشارکتی روستایی می نویسد: «کلمه تعاون دارای مفهومی وسیع است به طوری که مفهوم لغات مشارکت و مشورت را نیز در بر می گیرد تعاون در امر تصمیم گیری را مشورت می گویند در فرهنگ مشاروت در جوامع سنتی به ویژه در روستاها به سه اصطلاح همیاری، دگریاری و خودیاری بر می خوریم این مفاهیم بر حسب نوع منفعتی که برای فرد حاصل می کنند از یکدیگر قابل تفکیک هستند.

۴-جمع بندی پیشینه های پژوهش

پژوهشگران ایرانیِ «مشارکت کار» با وجود اختلاف آرای بسیار در مسائل پیرامونی مشارکت، با شگفتی در مورد همسانی جوهره مشارکت و یاری‌گری و زیر مجموعه‌های آن(خودیاری، همیاری و دگریاری)با یکدیگر متفق القولند. در این نوشتار تلاش شده فقط گوشه کوچک و ناقصی از تفاوت مبنا قرار دادن منازعه یا همکاری در تئوری پردازی‌ها نشان داده شود. اگر بپذیریم که اصل بر همکاری و یاری‌گری است، نگاه به جامعه و سیاست متفاوت خواهد شد. به نظر می‌رسد بتوان گفت این اثر بتواند مبنایی بسیار اساسی برای طراحی یک مدل بومی برای جامعه‌شناسی باشد تا بر اساس آن جامعه ایرانی را بتوان درست تحلیل و ارزیابی نمود؛ کاری را که سال‌ها بسیاری از اندیشمندان غربی با تئوری‌های خود نتوانستند از عهده آن برآیند.

فضای مفهومی مشارکت هم معنا و ناهم معنایی یاری‌گری، نظریه های همکاری و گونه شناسی نظریه های مربوط به همکاری در کار اندیشمندان علوم اجتماعی، دلایل کم توجهی نسبت به همکاری در علوم اجتماعی، نقد آرا در تعریف گونه شناسی مفهوم یاری‌گری، گونه شناسی یاری‌گری و تعاونی‌های سنتی در ایران، فرهنگ ایرانی و مشارکت از دیگر مباحث موجود در کتاب است. که در اینجا به بررسی هر فصل به صورت مختصر و موجز می پردازیم.

فصل اول: رفتارهای یاری‌گرانه جانوران

این فصل با جمله‌ای از کروپوتکین آغاز شده که زندگی جمعی جانوران حتی ضعیف‌ترین و ناتوان‌ترین آن‌ها می‌تواند آنان را در برابر خطر محفوظ بدارد فرهادی در اینجا با ارائه مستندات و مصداق‌هایی یاری‌گری در انسان و حیوان را در برخی موارد مشابه هم می‌داند و البته معتقد است هم در جانوران و هم در انسان این یاری‌گری می‌تواند اثرات مثبت بر زندگی هر دو گروه داشته باشد و معتقد است در مواقعی انسان از حیوان آموخته است و در این باره به آیه‌ای از سوره مائده در قران کریم اشاره می کند که: «آنگاه خدا کلاغی را برانگیخت که زمین به چنگال خود گود کند تا به او بنماید که چگونه زمین را برای پنهان کردن جسد برادرش حفر کند»(فرهادی، ۱۴۰۲: ۱۱۳). به همین دلیل یعنی یادگیری انسان از حیوانات لازم است انسان به این آموزگار غیر رسمی خود بیشتر عنایت کند. البته باید توجه داشت که یاری‌گری در انسان با جانوران تفاوت دارد به این دلیل که یاری‌گری در انسان آگاهانه ولی در جانوران اغلب غریزی و ناآگاهانه است. همانطور که زندگی جمعی حیوانات با انسان تفاوت دار.د بطور مثال زنبورعسل و مورچه‌ها به صورت گروهی زندگی می کنند ولی این زندگی جمعی تنها از روی غریزه حیوان است و میلیون ها سال به همین شکل است که زندگی می‌کنند در صورتی که جامعه انسانی دایما در حال تغییر است و انسان به طور آگاهانه می‌تواند محیط طبیعت را برای راحتی زندگی خود تغییر دهد ولی حیوانات چون قادر به چنین کاری نیستند کوچ می‌کنند.

در این فصل مؤلف مثال های زیادی از همیاری و زندگی دسته جمعی حیوانات و گیاهان آورده است.

فصل دوم: آدمی‌گری و یاری‌گری (واقعیت ها، ضرورت ها و پیشینه یاری‌گری)

بی خبر ماندن از آنچه پیش از تولدمان روی داده است همچون ماندن در مرحله کودکی است(سیسرون).

تاریخ تعاون به قدمت تاریخ آدمیان بروی کره خاکی است آدمی از نظر تجهیزات طبیعی حمله و دفاع مانند بسیاری از جانوران ضعیف‌تر فاقد شاخ، نیش و پنجه است هم چنین نه بالی برای پرواز دارد و نه باله‌ای برای شنا، اما با خرد خویش دانسته برای بقا

شدیداً نیازمند این است که بر میزان همکاری خود با دیگران بیفزاید. و به تجربه دریافته که فرد در میان جمع مجال بیشتری برای بقا دارد. کشفیات باستان شناسان از غارهایی که محل زندگی انسان نخستین بوده گویای این است که انسان ها در آن زمان هم با همکاری و همیاری هم زندگی می‌کردند. همکاری در شکار، نقشه کشیدن برای حمل، تقسیم گوشت شکار نمونه هایی از همیاری انسان‌های غارنشین است البته گزارش های مردم شناسی و باستان شناسی نشان می دهد که زندگی اجتماعی در شرایط باستانی خود از دو احساس مالکیت و حسادت بسیار دور بوده و با گذشت زمان این دواحساس به تدریج قوی وانگیزه ساز شده است. البته با استفاده از ابزارهای فرهنگی و با حذف برتری های مادی و جایگزینی منزلت اجتماعی می شود دو احساس مالکیت و حسادت را کمرنگ کرد که البته این امر در جوامع جدید و سرمایه داری به شکل دیگری ظهور کرده است بدین صورت که در این جوامع (سرمایه‌داری) کسب ثروت خود سبب افزایش عزت و منزلت اجتماعی می‌گردد که البته در اجتماعات گذشته تنها با حذف آن انسان ها می توانسته اند به آبرو و منزلت اجتماعی والا دست یابند(فرهادی، ۱۴۰۲: ۱۴۳).

و اصطلاحی که مؤلف اینجا از آن نام می برد: خودیاری مفروز، همیاری، دگریاری همترازانه(بعدها با پیدایش و گسترش مالکیت‌های فردی رایج شده است).

–خودیاری مشاع: در گذشته مردان روستاها با هدف آوردن هیزم از جنگل وکندن بوته برای سوخت و همچنین برای چیدن علوفه جهت خشک کردن و انبار کردن آن برای خوراک دام ها در زمستان بصورت دسته جمعی اقدام می‌کرده‌اند اعم از اینکه هر کس در فضای گروهی برای خود کار می‌کرده است(خودیاری مفروز). و یا اینکه بصورت گروهی و سازماندهی شده و با حاصل مشترک (خودیاری مشاع) مانند کتیرازنی و گردآوری صمغ درخت پسته وحشی انجام می شده است(همان: ۱۴۷). «این شواهد را دکتر فرهادی با حضور در محل و مصاحبه با افراد بدست آورده است».

فصل سوم: فضای مفهومی مشارکت

واژه مشارکت فقط تاکید بر اهمیت مشارکت ندارد بلکه بیشتر به یک توافق اشاره دارد به شرطی که چنین عملی هم معتبر و هم امکان پذیر باشد(فرهادی به نقل از پیتراوکلی و دیوید مارسدن، ۱۳۷۰: ۱۲). در این فصل مؤلف به واژه مشارکت هم به لحاظ معنا و هم به لحاظ مفهوم می‌پردازد و تعریف بسیار جامع و کاملی از مشارکت ارائه می‌کند و آن را مفهومی مقدس می‌شمارد و معتقد است که مشارکت این است که بیشترین زمینه برای بیشترین مردم و بیشترین ثروت برای بیشترین مردم باشد نه بیشترین ثروت برای کمترین مردم. از نظر فرهادی فرق است بین معنای لغوی تعاون، معاونت، یاری، یاری‌گری، یاری‌گر، همکار، همکاری و بالاخره مشارکت.

در بخشی از فصل سوم مؤلف به مناسبات بین دموکراسی و مشارکت می‌پردازد و به نقل از لرد براس[1] دموکراسی را اینگونه تعریف می‌کند: «دموکراسی بر حکومتی دلالت می‌کند که در آن خواسته‌های اکثریت شهروندان شایسته حکمفرمایی کند و شهروندان شایسته تشکیل سه چهارم جمعیت را بدهند». و یا الکسی توکویل غالباً حکومت دموکراسی را رژیمی توصیف می‌کند که در آن مردم کم و بیش در حکومت خود مشارکت دارند و معنای آن با ایده آزادی سیاسی ارتباط نزدیک دارد. فرهادی در اینجا سوالی را مطرح می‌کند: که آیا وجود مشارکت مستلزم وجود حکومت دموکراسی است؟ و اینگونه پاسخ می‌دهد که شک نیست که هر چقدر دموکراسی به معنای عام و خاص آن در جامعه ای فراگیرتر باشد مشارکت و از آن جمله مشارکت سیاسی به همان نسبت نمود و گسترش بیشتری یافته و روان تر عمل می‌کند. اما به همان نسبت ممکن است از شدت و عمق آن کاسته شود و برعکس در جوامع استبدادی با وجود حذف مشارکت مردم و حکومت، تنوع شیوه های مشارکت سیاسی مردم با یکدیگر، و هم شدت و مدت و عمق آن افزایش می‌یابد. تاریخ جوامع شرقی و از آن جمله ایران نشان می‌دهد که وجود حکومت‌های استبدادی به هیچ وجه سبب نابودی مشارکت سیاسی مردم با یکدیگر نشده، بلکه شیوه‌های بروز آنها را تغییر داده است. بطوری که تاریخ این سرزمین را سراسر به مقاومت منفی و مثبت مردم، در مقابله با حکومت‌های استبدادی تبدیل ساخته است. اگرچه این وضعیت انرژی بسیاری از مردم ما و حکومت‌های مستبد را در مسیر مبارزه مستمر با یکدیگر گرفته و نابود کرده است. مؤلف به نتیجه‌گیری می پردازد و معتقد است که اولاً عمر مشارکت به اندازه عمر بشریت است و نه به اندازه عمر دموکراسی، ثانیاً دموکراسی خود معلول مشارکت است و نه علت آن و هم در جوامع دموکراتیک و هم در جوامع استبدادی، همه انواع مشارکت و از جمله مشارکت سیاسی وجود داشته است اگرچه شیوه ها و نحوه بروز این مشارکت متفاوت بوده است. ثالثاً برخلاف تصور اولیه و نظریه‌های رایج دموکراسی به معنای عام و خاص آن در پیش از تاریخ، بیشتر از آن در دوران تاریخی و حتی پیش از امروز بوده است.

1 *Lord Bryce*

فصل چهارم: نظریه های همکاری و گونه شناسی نظریه های مربوط به همکاری در کار و اندیشه ورزان و دانشمندان علوم اجتماعی

همکاری از دیدگاه جامعه شناسی یکی از مهم ترین انواع کنش های متقابل پیوسته در جامعه بشری است و برخی از انواع آن حتی در جانوران نیز دیده می شود. مؤلف در این فصل از کتاب از نظرات اندیشمندانی چون چارلز هورتن کولی، سامنر، آگبرن، هنری گیدینگز یاد می‌کند. و همچنین با استناد به جامعه مدنی فارابی، مشارکت و یاری‌گری را تبیین می‌کند. فارابی در کتاب السیاسه المدینه جوامع مدنی را به دو نوع کلی فاضله و غیر فاضله تقسیم می‌کند و برای جوامع غیر فاضله انواعی قایل می‌شود اما چه در مدل آرمان شهر و چه در نوع واقعی شهرها مبنای کار را همکاری شهروندان می‌داند و معتقد است که آدمی به خاطر دانایی وخرد خویش به هستی‌های دیگر و همچنین به نوع خود کمک و یاری می‌رساند. امام محمد غزالی هم منشا تعاون را از ضرورت‌های زندگی آدمی دانسته ابن خلدون هم از نخستین جامعه شناسانی است که درباره منشا تعاون و همکاری سخن گفته است. برخی از فلاسفه همچون اسپینوزا و هیوم ودانشمندانی چون آدام اسمیت همدردی را بنیاد روابط اجتماعی می‌دانند. اگوست کنت نیز مانند آدام اسمیت دو عامل نیرومند یعنی حس خودخواهی و حس نوع دوستی را در فطرت بشر بازشناخته، دومی را عامل پیدایش خانواده که محل تمرین همکاری است می داند(فرهادی، ۱۴۰۲).

فصل پنجم: دلایل کم توجهی نسبی به همکاری در علوم اجتماعی

همکاری در پرده و پنهان در مفاهیم دیگر

اگرچه برخی جامعه شناسان تعریف گروه و جامعه را با تعاون درهم آمیخته‌اند و همکاری امری ظاهراً غیر انفکاک و مهم به حساب می‌آید اما پای آن به حوزه‌ها و مباحثی وارد شده که با همکاری در تضاد است مثل رقابت و جنگ.

توجهات جانبی به همکاری

همکاری به خاطر ماهیت آن بصورت مستقیم و یا غیرمستقیم در برخی مکاتب وکار صاحب نظران علوم انسانی اثراتی به جا گذاشته اما کمتر کسی همکاری را مستقیماً درکانون توجهات فکری وبرنامه کاری خویش قرار داده است، و همین باعث شده یاری‌گری در طی زمان و مکان های مختلف در حالت نوباوگی باقی بماند. مثلاً آدام اسمیت در کتاب مشهور«ثروت ملل» و در قالب تقسیم کار به مساله همکاری به شکل ضمنی توجه کرده است. همچنین مساله همکاری و تعاون(یاری‌گری) و همچنین تعاونی‌ها در علم اقتصاد مورد توجه اقتصاددانان وجامعه شناسانی مانند سن سیمون، رابرت اون، فیلیپ بوشه، شارل فودریه، لویی بلان بوده است. شارل فوریه یکی از نام آوران مکتب تعاونی با طرح« نظریه کار دل انگیز» از زاویه‌ای دیگر به مساله تعاون و همکاری توجه کرده است. برطبق این نظریه او معتقد است اکثریت انسان ها فقط از روی ضرورت و نیاز کار می‌کنند اما اگر کار بصورت دسته جمعی و اجتماعی شود دل انگیز و از روی شوق و رغبت میلی انجام می شود. اجتماع مورد نظر فوریه یک منزل تعاونی است که در آن کلیه خدمات خانگی و تهیه و صرف غذا به صورت دسته جمعی انجام می‌گیرد و در نتیجه مشکل منزل و مسکن و تدبیر امور آن از پیش پای انسان برداشته می‌شود در واقع انسان بخاطر عضویت و همکاری در گروه‌های مختلف است که بعنوان عضوی از جامعه محسوب می شود نه به خاطر تکروی (فرهادی،۱۴۰۲).

دلایل کم توجهی نسبی به همکاری در علوم اجتماعی

۱)عصر رقابت و خاستگاه علوم اجتماعی: خاستگاه علوم اجتماعی جامعه فردگرای غربی است که در آن رقابت و سبقت جویی اصل و همکاری فرع محسوب می‌شود. خاستگاهی که در جامعه گزل شافت هر انسان تا حدودی به یک تاجر تبدیل می‌شود و انسان ها به رغم تمام عوامل متحد کننده جدا از یکدیگرند. بطوری که جوامع سرمایه داری فردیت و جوامع کمونیستی تنازع بقا را اصل قرار دادند. لذا تفاوت بسیار است بین جوامع صنعتی امروز و جامعه‌ایی که شکارچی‌اش بیش از آنکه برای خود وخانواده‌اش شکار کند برای قبیله شکار می‌کند و یا مانند جامعه دیروز ایران که کشاورزش اولین مشت بذر را به نیت پرندگان و مشت بعدی را به نیت چرندگان و مشت سوم را به نیت باشندگان و آخرین مشت را به نیت زن و فرزند برخاک می افشاندند.

۲-آرام و عادی بودن همکاری نسبت به ستیزه و جنگ: هر چه مساله‌ایی عادی‌تر باشد کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. به قول بوگاردوس: « نفس تعاون به لحاظ طبعیت آرام تر و فعالیت های صلح آمیزتر و عمق وظیفه اجتماعی آن، چنانچه فراموش هم نگردد ممکن است نادیده انگاشته شود».

در جوامع صنعتی امروزی بدلیل وجود شبکه‌های پیچیده و عظیم مبادلات که همه چیز پی در پی بوسیله پول معنی و محاسبه می‌شود از جنبه های عاطفی و معنوی تهی می‌گردد در گذشته و در جامعه سنتی به دلیل درک فرهنگی و تاریخی دقیق تر، افراد آگاهی بیشتری از مدیونی خود به دیگران داشتند ولی به مرور این آگاهی از دِین کمتر شده است.

پرده پنهانی پول: امروزه پول بر تخت هدف تکیه داده و انسان ها به ابزاری در خدمت آن تبدیل شده‌اند. و همین امر باعث شده که بر روابط اجتماعی انسان ها و فرهنگ تاثیرات بسیار زیادی داشته باشد ودر واقع مانع شناخت واقعی انسان از جهان، خود و دیگران شده است. و از آنجا که به شکل ناجی و حلال مشکلات درآمده چه بسا به جای مقدسات بشری بنشیند. لذا برای گسترش تعاون ابتدا باید به دنبال حذف سود باشیم تا فردگرایی و رقابت کمتر شود و برای حذف سود باید ضربت قاطع بر پول وارد آید. رابرت آون معتقد است بجای پول باید برگه های اعتباری کار–ارز ترویج داد که نماینده میزان کار واقعی کار هستند. بدین صورت که مطابق مقدار ساعات کاری که صرف تولید کالا می شود باید به تولید کننده در موقع فروش آن کار–ارز داده شود. مصرف کننده نیز در موقع خرید باید همان مقدار نه بیشتر و نه کمتر کار–ارز تحویل بدهد. پول علت انبوه جرایم ومنشا بی عدالتی و مسکنت و یکی از ارکان محیط است که بیش از هر عامل دیگر سبب فساد اخلاق و تبدیل جهان به جهنم واقعی شده است بت های کاغذی که مؤلف ۴۶ سال پیش براسکناس نهاده بود.

فصل ششم: نقد آرا در تعریف و گونه شناسی مفهوم یاری‌گری

تعریف یاری گری بدلیل این که اصطلاحی میان رشته ای بین جامعه شناسی و زیستی می باشد دشواراست. اما چند تعریف نسبتاً کوتاه را می توان مثال زد. از جمله اینکه: هر کنش متقابل اجتماعی که در آن افراد و یا گروه ها کار و فعالیت خود را به صورتی کم و بیش سازمان یافته و با کمک متقابل به هم می آمیزند تا هدفی مشترک تحقق پذیرد را همکاری گویند.

همکاری یک کنش متقابل پیوسته است.

همکاری کوشش و کنش هایی توسط عده ای است برای رسیدن به اهداف و مناقع ابزاری یگانه و با نیت و منظوری متفاوت. منظور از نیت متفاوت این است که شاید افراد بخاطر رضای خدا با هم همکاری می کنند و یا شاید بخاطر پول و...

گونه شناسی و انواع همکاری

نخستین جامعه شناسی که به طبقه بندی همکاری دست زد ابن خلدون است او دو نوع همکاری را بیان می کند:

۱–همکاری ساده(بدون تقسیم کار)

۲–همکاری پیچیده (همکاری با تقسیم کار)

و یا طبقه بندی که اسپینوزا ارائه می کند: همکاری اختیاری(داوطلبانه)، همکاری اجباری

و یا مک ایور[1] دو نوع همکاری را بیان می کند:

الف– همکاری مستقیم ب– همکاری غیر مستقیم

و یا در دایره المعارف علوم اجتماعی به پنج نوع همکاری اشاره شده است:

۱–همکاری غریزی ۲–همکاری سنتی ۳– همکاری پیمانی ۴–همکاری هدایت شده(دستوری، امری) ۵–همکاری آنی

نقد آرا در طبقه بندی انواع همکاری

طبقه‌بندی همیشه وجود داشته اما هرچه به دانش اضافه می‌شود طبقه بندی ها باید باطنی و ذاتی‌تر شوند تا تمایزهای ناشی از تنوع به خوبی تشخیص داده شود. طبقه‌بندی‌های عرضی در حال حاضر اگرچه انواع همکاری را نشان می‌دهد اما خود همکاری را نتوانسته ماهیتاً طبقه‌بندی کند و صرفاً صفات ثانویه دو یا چند همکاری‌اند و نه بیشتر. مثل اینکه همه حیوانات را بر اساس محل زندگی طبقه بندی کنیم بدون اینکه صفات ذاتی دیگر مثل مهره دار و بی مهره بودن و... طبقه بندی کنیم. بنابراین ما یک همکاری نداریم که همان را به انواع ساده و پیچیده و.. طبقه بندی کنیم بلکه انواع مختلفی از همکاری هست که باید تفاوت ماهوی هریک را بشناسیم.(بطورکلی وظیفه اصلی جامعه شناسی همین است که طبقه بندی های ذاتی و اساسی در بین پدیده های رایج در جامعه مثل خودکشی یا افسردگی یا خشونت و...ایجاد کند چون وقتی انواع آن ها به درستی شناخته شود، مطالعه و پیش‌بینی‌شان دقیق‌تر است.) پس باید ابتدا به دنبال صفاتی باشیم که مختص به یک نوع همکاری باشند. پس طبقه‌بندی‌ای جدید و ذاتی توسط مؤلف در این کتاب انجام شد. پایه این طبقه بندی یک ملاک ذهنی و چند ملاک عینی است. در نتیجه بر اساس مشاهدات عینی و نه فقط براساس تفکر محض سه نوع اصلی یاریگری از هم شناخته شد.

– دگریاری: برون سویه و یک سویه یعنی هدف کمک به دیگری است و انتظار کمک متقابل وجود ندارد.

– همیاری: برون سویه و دوسویه. یعنی فرد به کسی غیر از خودش کمک می کند و انتظار کمک متقابل در آینده وجود دارد.

– خودیاری: درون سویه است و کنش یاری منحنی است. یعنی فرد برای خود کارمی کند اما در قالب گروه.

اما مشکل طبقه بندی های جدید انواع همکاری این است که مثلاً همکاری ساده و غیر ساده یا اجباری و داوطلبانه در هر سه نوع همکاری که ما طبقه بندی کردیم وجود دارد پس مشخص می شود که صفت عرضی است و نه اساسی. در واقع در نوع

1 Maciver

اجباری باید گفت که کلاً هیچ پدیده اجتماعی بدون اجبار وجود ندارد و تنها در هنگام همگامی این اجبار کمتر حس می شود یا در همکاری‌ها و شرایط مختلف شدت این اجبار و اختیار کم و زیاد می شود و یا حتی گاهی ممکن است دچار نوسان ادراک شویم.

فصل هفتم: گونه شناسی یاری گری و تعاونی های سنتی در ایران

یاری‌گری از ویژگی‌های جوامع سنتی است و همین فرهنگ یاری دوست و پراخوت اسلامی بوده که در طول زمان به ویژه روستاییان و کوچ نشینان ما را به هم وابسته کرده است. مشکلات امنیتی و اقتصادی جغرافیایی و برخورد هوشیارانه روستاییان با آن در ایران، منجر به شکل‌گیری انواع مختلف یاری‌گری شده است. رولان کولن[1] معتقد است هیچ مشارکتی از فرهنگ جدا نیست و آموزش و انتقال آن از فرهنگ همان جامعه نشات می‌گیرد. بطور مثال هر فرد ممکن است رسماً در نهادهای مشارکتی درگیر باشد اما اگر منطق این نهادها از فرهنگ دیگری ریشه بگیرد، او ممکن است این مشارکت را به صورت یک عامل فشار و محدودیت یا بیگانه از خود احساس کند. در طبقه بندی انواع یاری گری، سمت و سوی کنش یعنی عمودی یا افقی یا درون سویه ، برون سویه بودن، یک سویه یا دو سویه بودن مهمتر از سایر عوامل مثل اجباری یا اختیاری بودن یا مفروز و مشروع بودن و.... می باشد.

اکنون انواع این طبقه بندی ها را بررسی می کنیم:

نخست برون سویه و درون سویه بودن بدین معنا که اگر هدف یاری رساندن به دیگران است پس بردار کنش برون سویه، و اگر شخص به خودش منفعت برساند درون سویه است البته حد وسط هم وجود دارد.

از نمونه های بارز همکاری برون سویه دگر یاری است. اگر یاری نوعی بخشش است ویاری دهنده انتظار کمک از یاری گیرنده را ندارد و بسته به اینکه دگریاری از نوع افقی باشد یا عمودی به دو نوع همترازانه و ناهمترازانه تقسیم می‌شود. دگریاری همترازانه در ایران معمولا در روستاهایی با اختلاف طبقاتی کمتر وجود دارد یعنی اینکه یاری گیرنده و یاری دهنده منزلت اجتماعی یکسان دارند پس جهت بردار افقی است. ولی در دگریاری ناهمترازانه بدین صورت است که کمک از سمت فرادستان به فرودستان است هر چه به زمان به حال نزدیک تر شویم بر میزان دگریاری ناهمترازانه افزوده تر می شود بسته به اینکه کنش یاری از بالا به پایین یا از پایین به بالا باشد با دو نوع دگریاری ناهمترازانه روبرو می باشیم که می توانیم به آنها دگریاری فرارونده و دگریاری فرودآینده نام نهاد. کمک از پایین به بالا مثل کمک رعیت به مالک که اگر اجباری باشد بیگاری محسوب می شود.

همکاری درون سویه (خودیاری)

در این نوع همکاری یاری دهنده و یاری گیرنده قابل تشخیص نیستند چون در واقع یکی هستند در این نوع همکاری کار خسته کننده تبدیل به یک حرکت و پرانرژی گشته و کیفیت کار بالا می رود و این خودیاری به لحاظ وجود یا عدم وجود محور شراکتی دو نوع دارد:

۱-خودیاری مشاع یا بخش ناکرده: که یعنی سهم هر فرد را در زمین یکدیگر نمی‌توان تشخیص داد با هم شریکند بطور مثال لایروبی جوی ها و نهرها که بعد از اصلاحات ارضی کشاورزان هم باید در این کار مشارکت می کردند.

خودیاری مشاع و دگریاری همترازانه از کهن‌ترین انواع یاری‌گری در بین انسان ها می باشد.

۲-خودیاری مفروز یا بخش کرده: یعنی فرد برای خود و با ابزار خودش اما در فضای گروهی کار می کند هدف از آن هم افزایش دل انگیری و کاهش خطرات احتمالی برای گروه است. مثال های سنتی این گونه یاری‌گری عبارتند از: گردآوری گروهی میوه های جنگلی در روستاهای شمال ایران، چیدن بلوط در ایلات و روستاهای غرب ایران، و یا چیدن گیاهان کوهی همچون ریواس و کرفس کوهی و ... و یا دره رفتن پشم ریسی دختران که با رفتن به کوه و جنگل همراه است.

همکاری میان سویه(همیاری)

در این نوع همیاری چون نتیجه کار به خود فرد بر می‌گردد شباهت به خودیاری درون سویه دارد از طرفی چون یاری دهنده و یاری گیرنده دو فرد متفاوتند شبیه دگریاری برون سویه است به همین دلیل اسم آن را میان سویه گذاشته اند.

مثل دادن هدایای عروسی که پس دادن آن حتی ممکن است چند سال طول بکشد اما بهرحال اتفاق می افتد.

مبادله مجرد، مبادله مرکب

در جوامع صنعتی مبادله ها مجرد تک بعدی و تمرکز بر بعد اقتصادی و خشک و سرد است اما همیاری در روستا یک مبادله مرکب گرم و صمیمی است.

دکتر فرهادی با بیان نظرات دکتر چلبی در این قسمت به فهم بیشتر این مطلب به خواننده یاری می رساند دکتر جلبی چهار نوع مبادله را بیان می کند:

1 Roland Colin

۱-متقارن سرد(معامله) ۲-نامتقارن سرد(رباپش) ۳-نامتقارن گرم(بخشش) ۴-متقارن گرم(یاری)

همگرایی و واگرایی در همکاری

همگرایی: برای یک کاسه کردن نیرو و امکانات دست به همکاری و گروه شدن بزنیم.

واگرایی: برای صرفه جویی در انرژی و وقت از تعداد اعضای گروه کم کنیم.

-همیاری همگرا(تجمیعی): بدین معنی که چند نفر همزمان به یک یا چند نفر دیگر کمک می کنند. مثل صندوق قرض الحسنه، کشت گندم و برنج

-همیاری واگرا(توزیعی): یعنی تعداد کمی از اعضا به بخش زیادی از گروه کمک می کنند مثل واره نان که یک یا دو خانواده برای کل روستا نان می پزند.

-دگریاری همگرا: مثل دگریاری همترازانه یا فراسویاری

-دگریاری واگرا: مثل وام دادن مالک به دهقان، کمک های برخاسته از موقوفات

-خودیاری مشاع همگرا: مثل لایروبی نهر و بنه

-خودیاری مشاع واگرا: مثل چرانیدن به نوبت گله

-خودیاری مفروز: که از نوع همگراست

تعاونی های سنتی: قبل از اصلاحات ارضی و همچنین قبل از اینکه تعاونی به معنای غربی آن وارد ایران شود، در روستاهای ایران انواع تعاونی های سنتی مثل بنه، واره(تعاونی سنتی زنان) وجود داشته است.

تفاوت تعاونی ها(سازمان های یاری گر) سنتی با گروه های یاری گر سنتی

درتعاونی سنتی مثل شیر واره ، گزینش با سخت گیری و گاهی توسط رهبر تعاونی انجام می شود اما در گروه های یاری‌گری اغلب گزینشی در کار نیست.

تعاونی های سنتی دراز مدت است و ممکن است اعضا تا سال ها تغییر نکنند. ولی گروه های یاری‌گری کوتاه مدت است.

شدت کنش در سازمان های یاری‌گر بیشتر از گروه های یاری گر است.

گونه های تعاونی سنتی

تعاونی‌های سنتی که محور آن خودیاری است مثل بنه آب در زمینه کشاورزی و مال و بلوک در زمینه دامداری

تعاونی‌های سنتی که محور آن همیاری است مثل واره

تعاونی‌های سنتی که محور آن دگریاری و انواع آن است مثل سازمان های وقفی

طبقه بندی گروه ها براساس میزان همکاری

همکاری بعنوان مؤلفه مهم در همه گروهاست در نتیجه براساس همکاری به سه گروه خودیار، همیار و دگریار تقسیم می شوند که این سه گروه هم در روستا و هم در جوامع سنتی و صنعتی و هم در شهرها وجود دارد.

هر کدام از گروه های یاد شده که نظم و سازمان مشخصی پیدا کنند به سازمان های تعاونی تبدیل می شوند. براساس این که محور اصلی یاری‌گری چه باشد در وهله نخست چند نوع سازمان تعاونی را می توان از یکدیگر تمیز داد:

-سازمان های تعاونی خودیار: بنه و مال(سنتی) اتحادیه های کارگری ، احزاب تعاونی تولید و مصرف (صنعتی)

-سازمان های تعاونی همیار: واره

-سازمان های تعاونی دگریار: سازمان های سنتی موقوفات(سنتی)، انجمن ها وسازمان های حمایتی(صنعتی)

شناخت درست جامعه سنتی ایران می تواند به گروه ها و سازمان های صنعتی در جامعه کمک کند چرا که به نظر دکتر فرهادی بدون داشتن این مساله که چه بوده و چه هستیم امکان آن که بدانیم چه خواهیم شد وجود نخواهد داشت.« اگر ندانسته ای از کجا آمده ای، نخواهی دانست که به کجا می روی»(فرهادی، ۱۴۰۲: ۳۲۷)

فصل هشتم: ساخت های جهانی همکاری

دکتر فرهادی برای نخستین بار به واره در برخی روستاهای کمره برخورد ولی بعدها با توجه به مشاهداتش واره را در روستاهای اراک، الیگودرز و خوانسار نیز یافت و البته واره در شهرستان‌ها واستان‌های دیگر نیز با تفاوت‌های جزیی در نام و شیوه اندازه‌گیری و غیره وجود دارد و اصطلاح و فرهنگ «کاسه همسایه» که در ایران وجود دارد و حتی در شهرهای بزرگی چون تهران هنوز این رسم بسیار جاری است که همسایگان غذای خود را به ویژه اگر کمی غیر عادی باشد نظیر غذاهای بودار، یا غذاهایی که پخت آن دشوار و یا کمیاب است به تنهایی نمی‌خورند و آن را بین همسایگان تقسیم می‌نمایند علاوه بر غذا، میوه های بودار و نوبر و کمیاب نیز از این قاعده مستثنی نبودند و حتی مالینفسکی هم در پژوهش خود در جزایر تروبریاند درباره مبادله سیب زمینی هندی بین بومیان جزیره می نویسد.

در جامعه سنتی ایران نیز مبادله کار با کاردر اموری نظیر بیل زدن، نشای برنج، میوه چینی، ... بسیار فراوان بوده و کم وبیش هم رواج دارد. ساختارهای رفتار آدمی با تمام تنوع و گوناگونی آن ساخت‌مند و قاعده پذیرند و د رنتیجه همه جایی و به اصطلاح جهان شمول هستند. واره به معنای عام آن، با زمینه‌ها و کارکردهای گوناگون در همه جای جهان به چشم می خورد چرا که در همه جای جهان «مبادله تاخیری» (همیاری) وجود دارد. بطور مثال در روستاهای دره اوکزاکا درجنوب مکزیک همان انواع همکاری را می توان یافت که در میان روستاییان شمال یا جنوب ایران می توان مشاهده کرد. مبادله تاخیری هم اکنون در سراسر جهان صنعتی و به ویژه در مبادله هدایا و احترامات به مناسبت های گوناگون همچنان ادامه دارد.

مؤلف در این فصل از کتاب به این نتیجه مهم می رسد که هاهیت و ذات و ساخت جوهری همکاری در طول زمان تغییر نمی کند بلکه این زمینه خودیاری و صفات ثانویه و پیرامونی انسان ها وذهنیت خود انسان هاست که در طول زمان تغییر می کند و یا به نقل از زیمل« مهم قواعد بازی است، نه جنس مهره ها».

فصل نهم: نظریه تک روی و ناهمکاری ایرانیان و به ویژه کشاورزان ایرانی

تکروی و فردگرایی ایرانیان نظریه ایست که سال‌ها در ایران وجود دارد و دلیل عدم توسعه و هر مشکل دیگری را به آن نسبت می‌دهند مؤلف با انجام کار میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای گسترده در ایران به مخالفت با این نظریه پرداخته است. اعتقاد به این نظریه غلط پیامدهای زیادی را در ابعاد مختلف در پی داشته است.

۱-بُعد سیاسی: در سطح ملی باعث می شود که سیاست گذاران و برنامه ریزان از این نظریه بعنوان گریزگاه استفاده کرده و از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنند و در سطح بین المللی هم باعث سوء استفاده کشورهای مرکز می شود.

۲-بُعد روانی: تحصیل کردگان ایرانی با قبول این نظریه و به چالش نکشیدن آن مخالف فرهنگ بومیشان شده اند.

۳-بُعد علمی: این نظریه از زاویه علمی ثابت نشده و باید فهمید که آیا از واقعیت موجود در تاریخ ایران گرفته شده یا به دلیل دشمنی احساسی نخبگان ایرانی است و یا برخاسته از تعصب اجباری بیگانگان و یا ترکیبی از هر سه.

دیدگاه موافقان

اولین بار این طرح توسط خانم دکتر لمبتون انگلیسی درکتاب مالک و زارع در ایران حدود ۷۰ سال پیش مطرح شد. ولی معتقد بود دهقانان ایرانی چنان سرگرم مسایل روزمره هستند که میلی برای مسایل سیاسی ندارند و هرگز نمی‌توانند در زمینه تعاونی موفق شوند زیرا که تجربه و علاقه‌ای در این زمینه ندارند و دلیل قرن ها ستم کشی و مشکلات طبیعی را در قضای الهی می‌دانند و به همین دلیل تلاشی هم برای تغییر وضعیت موجود نمی‌کنند.

در نتیجه این سخنان و مشاهدات بعدی غربی ها نظریه تکروی در مورد ایرانیان به ویژه در غرب به شهرت زیادی رسید.

دیدگاه مخالفان

مطالعات انجام شده و ارایه یافته ها، با دو شیوه مستقیم و غیر مستقیم نظریه تکروی کشاورزان ایرانی را به چالش کشید. اول بطور غیر مستقیم توسط محققانی که شیوه های یاری‌گری باقیمانده در روستاها را ضبط کرده‌اند و دوم به طور مستقیم از طریق مطالعه میدانی و گزارش تجارب شخصی در زمینه یاری‌گری به رد این نظریه پرداخته‌اند.

کولکتیویزم روستایی

تعاون، اشتراک مساعی و خودیاری از ضروریات هر روستای ایرانی است و از جمله دلایل آن مشکلات اقلیمی و اقتصاد بسته می‌باشد. در روستاهای ما بسیاری از امور اجتماعی را با استفاده از روحیه تعاون اجتماعی انجام داده‌اند.

بطور مثال: ساخت وسازهای عام المنفعه، مسجد، آب انبار، مکتب خانه، حمام، پل، راه، برگزاری مراسم سوگواری عمومی. و یا کارهای کشاورزی مثل کاشت، داشت، و مسایل مربوط به نسق، و... تقسیم کردن آب و خاک و قرعه کشی قطعات زمین مرغوب و نامرغوب، عدالت را بین همه خانواده ها ایجاد می کنند و این موارد دلیل روشنی است براحساس مسئولیت جمعی و حفاظت روح اشتراک مساعی که منجر به نوعی کولکتیویزم اقتصادی و اجتماعی می‌شود. پس در روستا و عشایر نه تنها روحیه تعاون ضعیف نیست بلکه اساس احتیاجات اجتماعی بر پایه تعاون قرار دارد.

دلایل رسوخ و نفوذ نظریه تکروی

۱)وجود نظریه تکروی برای دهقانان اروپا: تکروی درباره تمامی روستاهای جهان توسط محققان و انسان شناسان مختلف بیان شده و از این نظریه بعنوان یک زور علمی برای اجرای طرح های بالادستان و قدرتمندان استفاده شده است و فرهنگ روستایی همواره به عنوان مانعی برای توسعه قلمداد شده است. بهرحال اگر این حرف ها در مورد سایر روستاها درست باشد به هیچ عنوان درباره روستاهای ایران قابل قبول نیست زیرا حتی مورفولوژی و شکل ظاهری روستاها که نزدیک بهم و فشرده است ایجاب می کند که حیات اجتماعی با تعاون و اشتراک مساعی همراه باشد.

آب مشترک، مرتع مشترک، حمام مشترک، .... گویای این سخن است. اما ایرانیان شروع به «خود قومیت کشی» می کنند در حالی که قرار بوده ما با واقعیت نظریه را محک بزنیم. نظریه در بهترین حالت بایستی نورافکنی برای دیدن واقعیت باشد و نه اینکه حجابی برآن، وقتی ما کشور خود را نمی‌شناسیم چه می‌شود کرد؟

و به قول مولانا: « پیش چشمت داشتی شیشه کبود/ پس همه عالم کبودت می نمود»

۲)خلاء مطالعاتی در زمینه یاری‌گری‌های سنتی

خالی بودن جامعه علمی از تحقیقات درباره مشارکت و یاری‌گری سنتی ایران، تصویب قانون تعاونی‌های جدید، ظهور تعاونی‌های فرنگی در ایران هم باعث تقلید کورکورانه ما از آنها شد و هم بهانه مناسبی برای تایید نظریه تکروی در ایران شد.

۳)دورافتادگی تحصیل گردکان از جامعه خودی

تحصیل کردگان ما به سه دلیل عمده از فرهنگ سنتی خود دور افتاده‌اند:

الف–تعلیمات مدرسه ای نوین و برگرفته از غرب

ب–قوم مداری واژگونه

ج–حمایت سیاسی از گزاره تکروی و ناهمکاری ایرانیان

د–فرافکنی خصلت های تحصیل کردگان قشرهای میانی به کل جامعه

۴)مطالعات کمی و کیفی درباره یاری گری ایرانیان

کمبود شدید یافته‌های علمی و میدانی در زمینه مطالعات یاری‌گری سبب شد تا اولین مطالعات میدانی گسترده توسط یک خارجی یعنی خانم لمبتون در کتابی به نام مالک زارع در ایران انجام شده است. ایشان به مشاهدات روستاهای ایران و فعالیت‌های دسته جمعی کشاورزان پرداخته و آنها را ثبت کرده اما به ماهیت تعاون ویاری‌گری در روستاها پی نبرده و علیرغم ثبت تمام صورت‌های تعاون در روستا، کشاورزان را به فردگرایی و تکروی نسبت داده است. دلیل آن انگلیسی و خارجی بودن این خانم بوده که اگر قرار بود فعالیت کشاورزان ایرانی را در یک طبقه بندی گسترده تعاون آنچنان که هست نشان دهد برتر از تعاونی اولیه راچدیل در انگلیس بنظر می‌آمد و ناخودآگاه از انجام چنین کاری خودداری کرده و دلیل دیگر آنکه همراهان و مترجمان او افراد حکومتی بوده‌اند که نگاه بالا به پایین و رعیت گونه‌ای به کشاورزان داشته اند که این در کار خانم لمبتون اثر گذاشته است.

فصل دهم: فرهنگ ایرانی و مشارکت

زبان شناسان جدید نشان داده‌اند که زبان وسیله‌ای برای درک احساسات و عواطف آدمیان هم در زمان حال و هم در اعصار بسیار دور می‌باشد. تعدد واژگان برای همکاری و مشارکت و انواع آن نشان کاربرد آن در زندگی ایرانیان بوده همچنان که تعدد واژگان زبان اسکیمویی برای برف نشان دهنده اهمیت برف در زندگی آنهاست و یا دایره لغوی واژگان شتر نشان دهنده اهمیت این دام برای اعراب و دایره واژگان مربوط به باران در ایران، نشان دهنده اهمیت آن در زندگی و اقتصاد ایرانیان می باشد.

فرهنگ ایرانی حداقل در دو هزاره گذشته شدیدا طرفدار «تونیکی می کن و در دجله انداز» بوده است و کمک به امید تلافی را کاری کارستان نمی دانسته‌اند. مؤلف با استفاده از اشعار شاعران نامی ایران و ضرب المصل های زبان فارسی نشان داده که یاری‌گری در مردمان این سرزمین قدمتی طولانی دارد. بطور مثال در فصل دهم کتاب دکتر فرهادی رابطه میان دین و مشارکت را با تکیه بر آیین زردشتی به روشنی ثابت می کند و هم چنین بعد از ظهور اسلام در ایران نیز ما شاهد تداوم گونه های آرمانی یاری‌گری در نظر و تداوم موقوفات و رفتارهای یاری‌گرانه ایرانیان در عمل تا به امروز هستیم و یا سازمان های خیریه و دگریار، آشکارترین بازتاب فرهنگ نوع دوستی و ایثار در ایران است(فرهادی، ۱۴۰۲).

۵-نتیجه گیری

تحلیل و بررسی کتاب انسان شناسی یاری‌گری اثر دکتر مرتضی فرهادی بیش از نیم قرن از آغاز اندیشیدن دکتر فرهادی به یاری‌گری و پژوهش‌های میدانی و آشنایی او در این باره در ایران و جهان می گذرد کاری که از روستاهای کمره در جنوب استان مرکزی آغاز شد و کل ایران را درنوردید و به مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی به سرانجام نزدیک شد. او این راه طولانی را آغاز کرد و نهراسید از گام نهادن در این راه دشوار و پیچیده که به قول خود وی راه علم به ویژه در علوم اجتماعی همچون سراب در کفه و کویر است هرچه که نزدیک‌تر می‌شوید او دورتر می‌شود. این سماجد و صبوری فرهادی یا به تعبیرش صبوری دهقانی ستودنی است. فرهادی بیشتر از آنکه با تکیه بر نظرات غربیان و تقلید از برخی فلاسفه غربی به پژوهش بپردازد به مختصات تاریخی و جغرافیایی ایران تکیه می‌زند و حتی در این راستا کار پژوهشگران ایرانی را که به تقلید از تئوریسین های غربی به کار پژوهش می‌پردازند در برخی جهات به نقد می‌کشد. در کتاب انسان شناسی یاری‌گری مؤلف با استفاده از روش میدانی و حضور در میدان پژوهش سعی در رسمیت بخشیدن و معرفی حوزه جدیدی در انسان شناسی و جامعه شناسی و همچنین سعی در احیای جامعه

شناسی تعاون دارد که به نظر می رسد از جانب جامعه کهنسال ایران که یکی از قدیمی ترین کشورهای مشرق زمین است لازم باشد. به نقل از مؤلف عبور از جامعه سنتی و جمع گرای ایرانی، به جامعه فردگرا و به تعبیری کاسب کارانه شبه صنعتی و شبه غربی سبب شده که فرهنگ یاری‌گران ایرانی نتوانند به بازتولید این فرهنگ آن چنان که باید و شاید بپردازد و هم چنین نهادهای آموزشی هم در معرفی و ترویج فرهنگ تعاونی سنتی موفق نبوده اند. از زحمات دکتر فرهادی همین بس که ایشان در یک روستای دورافتاده پای کوهی از شهرستان الیگودرز با همکارانش توانسته بودند به عنوان تسهیل‌گر کارهای نسبتا زیادی را به کمک مردم انجام دهند. اصطلاح پتانسیل فرهنگی که در آثار دکتر فرهادی زیاد به آن بر می‌خوریم و منظور از آن همه آموخته‌های مثبت، ذخیره دانشی و تجربه فنی و بینشی و منشی و کنشی آسان ساز و روان پرداز و همچنین هویت بخش یک ملت است که در شرایط عادی هم چون ثروتی از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و حرکت به جلو را همچون نوعی انرژی ذخیره شده آسان تر می کند. دغدغه فرهادی بعنوان مردم شناس همین مساله است که این پتانسیل عظیم فرهنگ بومی متاسفانه به خاطر موانعی در جوامع نظیر ما دچار اخلال شده است. دور کردن جوامع توسعه نیافته دارای ذخایر فراوان از فرهنگ تولیدی و کار و آموزش آماده خواری و فراغت منفعلانه و مصرف بدون تولید و کوشش برای خودکار کردن کارخانه ها وصنایع آنان و استفاده نابجا از ماشین به جای انسان، آخرین ترفندی است که کشورهای مرکز به کمک آن می توانند وابستگی کشورهای پیرامون را به خود تضمین کنند این به تعبیر ساده اندیشان توهم توطئه تصور شده و فرهادی آن را در کتاب خود به نقد کشیده است(فرهادی، ۱۴۰۲: ۸۳).

پتانسیل فرهنگی به تعبیر فرهادی هم چون آب ذخیره شده پشت سد می‌تواند به انواع دیگر انرژی و سرمایه تبدیل شود و هم می‌تواند در صورت استفاده نابجا مخرب باشد. بازخوانی تجربیات گذشته برای درس آموزی وبهره گیری از همان پتانسیل فرهنگی است به قول کنفوسیوس «گذشته چون که به یاد آید و فهم شود دگر گذشته نیست» و یا به قول اقبال:« سرزند از ماضی تو حال تو/ خیزد از حال تو استقبال تو». فرهادی در تمام کارهایش بدلیل اشنایی با ادبیات ایرانی به فراخور موضوع ابیاتی از شعرای نامی ایران و تمثیل ها وضرب المثل ها استفاده بجا و مناسب کرده است .وی با تکیه بر اعتماد در جامعه معتقد است یاری‌گری و تعاونی‌های سنتی جز در فضای اعتماد امکان پذیر نیست و بنابر نظر پاتنام« اعتماد چرخ های حیات اجتماعی را روغن می زند».

مؤلف امیدوار است که از این پس اقتصاددانان، جامعه شناسان، انسان شناسان و روان شناسان اجتماعی به نتایج این ترکیبات و قالب‌ها و پروژه‌های استتاری بر شخصیت آدمیان و میزان همکاری آن ها و همدلی و همدردی و همبستگی اجتماعی آنان بپردازد.

نوشته حاضر کوششی است برای جلب صاحب نظران و دانشمندان علوم اجتماعی به مساله حیاتی همکاری همچون هوای پاک لازم برای زندگی، و همانند همان هوای جان فزا که غالباً فراموشی شده است. قاعدتاً موضوع همکاری باید نه تنها در کانون توجه جامعه شناسان، بلکه باید مورد توجه دانشمندان انسان شناسی، اقتصاد، روان شناسی اجتماعی، توسعه و سیاست و زیست شناسان و غیره نیز قرار داشته باشد. اما در عمل به دلایل یاد شده، سبب شده که در همه‌جا از بودجه دولت‌ها گرفته تا پرده سینماها و صفحه تلویزیون تا میدان‌های ورزشی و هم در کتاب‌ها و در تئوری‌ها و دانشکده‌ها، به مسایل رقابت و جنگ و ستیزه بیش از تعاون توجه شود.

منابع

–اینگلهارت، رونالد(۱۳۷۴).« تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته و سنتی»، ترجمه مریم وتو، تهران، نشر کویر.

– بیرو آلن(۱۳۷۰).« فرهنگ علوم اجتماعی» ، باقر ساروخانی ، تهران انتشارات کیهان

– پاتنام، رابرت (۱۳۸۰). «دموکراسی و سنت های مدنی»، ترجمه: احمدتقی دلفروز، تهران: نشر روزنامه سلام، جلد اول

–چلبی، مسعود؛ امیرکافی، مهدی (۱۳۸۳). «تحلیل چند سطحی انزوای اجتماعی»، مجله جامعه شناسی ایران، دوره پنجم، شماره۲.

–زتومپکا، پیوتر(۱۳۸۴).« اعتماد: نظریه جامعه شناختی». ترجمه غلامرضا غفاری، تهران، نشر شیراز

–علوی‌تبار، علیرضا(۱۳۷۹).« مشارکت در اداره‌ی امور شهرها، بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور شهرها (ج اول)»، تهران، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور

-علفیان مسعود(۱۳۷۹). «مشارکت و دیدگاه نو در مدیریت شهری»، مجموع مقالات مدیریت توسعه پایدار در نواحی شهری، همایش مدیریت توسعه پایدار، دانشگاه تبریز

– غفاری، غلامرضا و نیازی، محسن(۱۳۸۶). «جامعه شناسی مشارکت»، تهران، نشر نزدیک.

–فرهادی، مرتضی(۱۳۷۳). « فرهنگ یاری گری در ایران»، تهران، مرکز نشر دانشگاهی

–فرهادی، مرتضی(۱۴۰۲). « انسان شناسی یاری گری»، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات.

–قاسمی، محمد علی، (۱۳۸۱).« عوامل مؤثر بر مشارکت روستائیان در طرح‌های عمرانی»، فصلنامهٔ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، سال دوم، شمارهٔ ۴

–متین، نعمت اله(۱۳۷۷). « مبانی نظری مشارکت و ضرورت های آن»، ماهنامه جهاد، ش۲۱۴ و ۲۱۵.

-Lerner, Denial (1964), The passing of Traditional society, New York, The Macmillan com.

-Al.Mizjaji, Almad Dawood(2003) Public Apathy Towards Bureaucracy As a Constraint On The Development Of Saudi Arabia. Public Administration Quarterly, Fall 2001 , 25,3/4,ABI/Inform Global. P : 270.